

آنتون استبانوویچ آرنسکی

(۱۸۶۱.۱۹۰۶)

«موسیقی را دوست دارم و آرزوی کنم هر آنچه که در توانم است برای آن انجام دهم».

درباره آهنگ ساز روسی، آ. س. آرنسکی، هم دوره فرهوش او پ. ای. چایکوفسکی نوشت، که او «...در موسیقی بگونه ای شگفت آور خردمند است، درباره همه چیز بگونه ای باریک بینانه و وفادارانه از پیش می اندیشد؛ یک سرشت موسیقایی گیرا». نویسنده بزرگ روسی ل. ن. تالستوی، آرنسکی را بالاتر از آهنگ سازان هم دوران خود جای داد: «از میان آهنگ سازان نو، آرنسکی بهتر، ساده و آهنگین است»، و م. ف. گنسنین به یاد می آورد، که «...بخش بیشتر آنچه که از سوی او در دوران آموزش در آموزشگاه والای موسیقی نوشته شده، در زمان آموزش [سر درس] ساخته می شده، در زمانی که استاد، کارهای دوستان هم دوره ای او را بررسی می کرد. بیش و کم پیش می آمد، که نوشته موسیقایی از خود ساخته آرنسکی به مراتب ارزشمندتر و برتر از نوشته های دوستان هم دوره ای او و حتی آنهایی که دارای درایش نوشتن موسیقی بوده و زمان بسیاری بر روی ساخته های خود کار می کردند، از آب درمی آمد».



برای موسیقی دانان و دوست داران موسیقی. پایان سده گذشته و ابتدای سده کنونی باور آن مشکل است که هنر آفرینش گرانه و حتی نام خود آرنسکی با گذشت سه چهارم سده، کم شناخته شده است. نمایش های آوازی، ساخته های سمفونیک و انجمن گاهی، به ویژه آفریده های فورته پیانویی و رمانس های او، همواره به آوا در می آمدند، در بهترین خانه های نمایش به نمایش گذارده شده، از سوی هنرمندان نام دار اجرا شده، دوست داران موسیقی و خرده گیران برخوردار شد. پدر او، پزشکی از شهروندان شهر نیو گارودسک، خود دوست دار موسیقی بود، و مادرش هم پیانیست خوبی به شمار می آمد. دوران پسین زندگانی آرنسکی در پیوند با پتربورگ بود. در اینجا او به آموزش موسیقی ادامه داده و در سال ۱۸۸۲ آموزشگاه والای موسیقی را در رشته آهنگ سازی نزد ن. ریمسکی کورساکوف به پایان رساند.



هنوز سرگرم آموزش بود، اما شایستگی درخشان از خود نشان داده و نشان زرین دریافت کرد. موسیقی‌دان جوان برای آموزش رشته‌های دانش همگانی موسیقی، سپس آهنگ‌سازی، پی‌درنگ به آموزشگاه والای موسیقی مسکو فراخوانده شد. در مسکو، آرنسکی به چایکوفسکی و تانه‌یف نزدیک شد. درآیش [تاثیر] چایکوفسکی به الگوی هنر آفرینش‌گرانه موسیقیایی آرنسکی، و تانه‌یف به دوست نزدیک او تبدیل شد.



بنابر خواهش تانه‌یف، چایکوفسکی داستان‌نامه نمایش آوازی دوران نخستین هنر آفرینش‌گرانه از میان برده شده از سوی خود، نمایش آوازی «وُیه وُدا» را به آرنسکی داد و از آن نمایش آوازی «رویا بر روی ولگا» پدیدار شد، که با

کامیابی در سال ۱۸۹۰ در خانه نمایش بزرگ [بالشوی تئاتر] شهر مسکو به نمایش درآمد. چایکوفسکی آن را یکی از بهترین، «و در جاهایی، نمایش - آوازی برتر - روسی» به شمار آورده و در ادامه بیان داشت که: «رویداد - خواب - وُیه وُدا مرا ناچار به اشک افشانی بسیار کرد».



نمایش - آوازی دیگر - آرنسکی به نام «رافائل» . به باور تانه‌یف - سخت گیر نیز، [همچون رویا بر روی ولگا] هم از سوی - کارشناسان و هم از سوی - دوست‌داران - موسیقی، ستایش برانگیز به شمار می‌آید؛ در دفتر یادداشت این آدم که دل‌نازک نبود، در پیوند با رافائل شبیه همان واژه‌های چایکوفسکی دیده می‌شوند: «[آن کار] تا آنجا کارگر شد که اشک - هایم سرازیر شدند...». شاید، این از برای - ترانه‌های - تا آن زمان پراوازه خوانده شده بر روی پهنه اجرایی می بود که «رنج و بیهودگی دل را می لرزاند»؟

کنشگری - آرنسکی در مسکو گوناگون بود. به هنگام - کار در آموزشگاه والای موسیقی، او آموزش‌نامه‌هایی را آفرید، که بر پایه آنان شمار - بسیاری از موسیقی‌دانان سرگرم یادگیری بودند. در نزد - او راخمانینوف و اسکریابین، آ. کورشنکو، گ. کونیوس، ر. گلییر آموزش می‌دیدند. گلییر به یاد می‌آورد: «...گوش‌زدها و پندهای آرنسکی بیشتر هنری بودند تا کارشناسانه». به هر گونه، سرشت - نابرابر - آرنسکی که آدمی گیرا و آتشی مزاج بود، گه‌گاه کار را به کشمکش میان او و هنرآموزانش می‌کشاند. آرنسکی هم در ارکستر سمفونیک و هم در کنسرت‌های انجمن آوازی - گروهی - تازه بنیان‌یافته روسی، به‌عنوان رهبر برنامه اجرا می‌کرد. به‌زودی، بنابر پیشنهاد - بالاکیرف، آرنسکی برای سرپرستی - گروه آوازی وابسته به دربار به پتربورگ فراخوانده شد. این، جایگاهی والا، اما بسیار سنگین و ناپاسخگو به گرایشات - آهنگ‌ساز بود. در ۶ سال او ساخته‌های کمی آفرید و تنها، با آزاد شدن از جایگاه کاری - خود در سال ۱۹۰۱، دوباره اجرای برنامه در کنسرت - ها و آفرینش موسیقی بگونه‌ای تنگاتنگ را از سرگرفت. اما دیگر بیماری او را رنج می‌داد؛ تب شش‌ها [بیماری سیل]، که پس از چند سال او را با خود به گور برد...



ف. شالیابین یکی از سرفرازترین اجرا کنندگان - آفریده‌های آرنسکی به شمار می‌آید: او هم بالاد - رمانتیک - «وُلگا» را که به وی پیشکش شده بود می‌خواند، و هم «آوازهای کودکان» و - با بیشترین کامیابی - «منسترل» را. به‌ویژه، و. کامپسارژوسکایا ساخته‌های آرنسکی را در ژانر گفتار - آهنگین که در ابتدای سده کاربرد پیدا کرده بود، اجرا می‌کرد؛ شنوندگان، گفتارخوانی او را در موسیقی - «چه خوباند، چه تازه‌اند گل های رز...» را به یاد دارند. ارزش‌گذاری یکی از بهترین آفریده‌ها - سه‌تایی [تریو] ر مینور [ر کوچک] - را می‌توان در «دیالوگ‌ها» [گفتگوها]ی استراوینسکی دید: «آرنسکی... با من برخوردی دوستانه داشت، و کشش‌مندانه به من کمک می‌کرد؛ من همواره از خود او هم خوش‌ام

می آمد و، دستکم یکی از کارهای او، سه تایی فورته پیانویی پرآوازه او می باشد». (نام های دو آهنگ ساز پسان تر بر روی آگهی کنسرت - س. دیاگلیف در پاریس، که در آن از اجرای نمایش - وشک - [بالت] آرنسکی، «شب های مصری» آگاهی داده می شد، نمایان شدند).



ایگور استراوینسکی

لو تالستوی از میان آهنگ سازان هم دوران اش، بیشترین ارزش گذاری را درباره آرنسکی و همچنین، سویت های او برای دو فورته پیانو کرد که به راستی جزو بهترین کارهای او می باشند. (چنین سویت هایی را راخمانینوف نیز سپس و با درآیش [تاثیر] از آنها نوشت). در یکی از نامه ها تانه یف، که در آن زمان نزد خانواده تالستوی در یاسنایا پالیانا زندگی می کرد در تابستان سال ۱۸۹۶ و همراه با آ. گولدن وایزر که شامگاهان برای نویسنده می نواخت، می نویسد «دو روز پیش ما، نزد آدمیان پُرشماری... «تارگون های [شبح ها] (سویت ۱- ۲. ل. ک.) آنتون استپانوویچ را نواختیم، که بسیار کامیابانه بود و لو نیکولایوویچ را با موسیقی نو آشتی داد. به ویژه از «رامشگر - اسپانیایی» (شماره پایانی) خوش اش آمد، و او مدت های بسیار از آن یاد می کرد». سویت ها و پارچه های موسیقیایی - فورته پیانویی - دیگر در برنامه اجرایی - پیانیست های دودمان پسا رایزنی [نسل بعدی شوروی]، هنرآموزان - آرنسکی، گولدن وایزر و ک. ایگمونوف تا پایان کار - اجرایی خود - تا سال های ۵۰ - ۱۹۴۰ نگاه داشته شدند. و تا به امروز رویا [فانتازیا] بر روی آهنگ - ریابینین برای فورته پیانو به همراه ارکستر، ساخته شده در سال ۱۸۹۹ در کنسرت ها و از فرستنده های آوایی [رادیو]، شنیده می شوند. هنوز در سال های ۹۰ سده نوزدهم، آرنسکی در مسکو از داستان سرای - نامدار - دهقان - آلونتسک، ایوان تروفیموویچ ریابینین - چند افسانه یادداشت کرد؛ و دو تا از آنها را درباره زمین دار بزرگ، اسکوپین - شوپسکی و «ولگا و میکولا»، پایه ای برای رویای - موسیقیایی خود جای داد. و رویای موسیقیایی، و سه تایی، و بسیاری از پارچه های موسیقیایی سازی و آوازی - دیگر آرنسکی، دارای درون مایه درآیشانه [احساسی] و روشن اندیشانه ژرف، بدون آن که نوآورانه باشند، و در همان زمان با راستینگی - بیان - سرایشگرانه، تا اندازه ای گلایه آمیز، آهنگین دارگی [ملودیزم] دست و دل بازانه خود، گیرا می باشند. آنها گرم، باریک بینانه و هنرمندانه هستند. این ویژگی ها، دل های شنوندگان را در سال های گذشته به موسیقی آرنسکی گرایش می دادند. آنها می توانند امروز نیز شادی به همراه آورند، زیرا هم شایسته و هم استادانه به شمار می آیند.

ل. کارابلنیکوف

پ. ای. چایکوفسکی، نامه به ای. آ. وسه وُلژسکی، ۱۱ ژانویه سال ۱۸۹۱:

«دیروز من تنها از این روی به مسکو رفتم، تا «رویا برفراز ولگا»ی آرنسکی را بشنوم. هرچند من دیگر دیدگاه خوبی درباره آن داشتم و خواهان خوشنودی راستین از آن بودم، اما آنچه را که دیروز از سر گذراندم، بیش از آن بود که من می‌اندیشیدم. برخی از نگاره‌ها، بویژه نگاره خواب و بیه‌ودا، نیرومندترین درآیش را در من برجای می‌گذارند. همه نمایش آوازی از ابتدا تا پایان از سوی هنرمندی راستین، بسیار اندیشمندانه و استادانه نوشته شده. این نخستین تلاش یک تازه کار کم‌رو نیست، بلکه آفریده‌ای هنری به‌شمار می‌آید، که در توان آن می‌باشد تا درآیشی نیرومند و ژرف برجای گذارد. گویا، که مردم [تماشاگران] از نمایش آوازی بی‌اندازه خوش‌شان آمد، و به گمان من، آن می‌تواند جایگاهی استوار در برنامه اجرایی روسی داشته باشد. بسیار بسیار خوب می‌شد که، «رویا برفراز ولگا» در برنامه اجرایی آتی در پتربورگ به نمایش درآید. >...< بسیاری از رویدادها چشمان مرا تر ساختند. نخستین نشانه‌ای، که «رویا برفراز ولگا» از سوی آدمی بسیار شایسته نوشته شده. >...< آرنسکی، به باور من، دارای آینده‌ای درخشان می‌باشد، اگر پشت‌گرمی داشته باشد. در او شور راستین، آهنگ‌سازی، نشانه راستین، هنری، آفرینش‌گرانه هست!»



ن. آ. ریمسکی. کورساکوف، «یادداشت‌های زندگی موسیقیایی من»:

«هنرآموز پیشین من، پس از پایان آموزشگاه والای موسیقی پتربورگ، استاد آموزشگاه والای مسکو، سال‌های بسیاری را در مسکو زندگی کرد. بنابر همه گواه‌ها، زندگی او سبک‌سرانه، میان مستی و برگ [ورق] بازی می‌گذشت، اما کنش‌گری آهنگ‌سازی او تا اندازه بسیاری پربار به‌شمار می‌آمد. زمانی او قربانی بیماری روانی شده بود، که گویا بدون برجای گذاشتن ردپایی از خود، پشت سر گذاشته شد. با بیرون آمدن از جایگاه استادی آموزشگاه والای موسیقی مسکو در سال‌های ۹۰، او در پتربورگ جایگزین شد و چندی پس از بلاکیرف، سرپرست گروه آوازی وابسته به دربار به‌شمار می‌آمد. در این جایگاه، زندگی سبک‌سرانه او، هرچند تا اندازه کمتری، ادامه پیدا کرد. پس از بیرون آمدن از گروه آوازی >...< آرنسکی جایگاهی برجسته به‌دست آورد: همچون یک کارمند سفارش‌های ویژه وابسته به دیوان‌سرای [وزارت‌خانه] دربار، آرنسکی دستمزد بازنشستگی از پنج تا شش هزار روبل دریافت می‌کرد، و بدون چون‌وچرا زمان آزاد برای پرداختن به کار ساختن موسیقی داشت. او در زمینه آهنگ‌سازی بسیار کار می‌کرد، اما در اینجا نیز سوزاندن زندگی‌اش به‌ویژه با نیرومندی از سر گرفته شد. خوش‌گذرانی هرزه‌وار، برگ‌بازی، بهره‌وری نادل‌سوزانه از توانایی‌های پولی یکی از داراترین هواداران خود، جدایی چندگانه [موقت] از زن خود، و در پایان، تب پیشرفت‌کننده شش‌ها، افتادن به بستر مرگ در نیس و سپس مرگ در فنلاند. با آمدن به پتربورگ، آرنسکی همواره دارای پیوند دوستانه با کانون بلیایف بود، اما همچون آهنگ‌ساز، خود را کنار می‌کشید، و این‌گونه، چایکوفسکی را به‌یاد می‌آورد. سرشت و درآیش و گزک [مزه] آهنگ‌سازی او بیشتر به آ. روبینشتاین نزدیک‌تر است، اما با توانایی کمتر آفرینش موسیقی از او. آرنسکی در جوانی از درآیش [تاثیر] من، سپس درآیش چایکوفسکی بر روی خود پرهیز نمی‌کرد. او به‌زودی فراموش خواهد شد...»

نمایش‌های آوازی

- «رویا برفراز ولگا» (برپایه داستان اندوهناک آسترووسکی «بویه وُدا»، ۱۸۸۸)؛
- «رافائل» («رویدادهایی از دوران زایش نو»، ۱۸۹۴)؛

- «نال و دامیاتین» (برپایه بخش‌هایی از حماسه «مهابارات»، ۱۹۰۳)

نمایش‌های وشک [بالت]

- «شب‌های مصری» (برپایه داستان کوتاه گوته «یک شب کلئوپاترا»، ۱۹۰۰)

ساخته‌های ارکستری

- سمفونی شماره ۱ سی مینور [کوچک] (۱۸۸۳)؛
- سمفونی شماره ۲ لا ماژور [بزرگ] (۱۸۸۹)؛
- چهار سوپیت (هم‌چنین در کارکرد برای دو فورته پیانو، ۱۹۰۲-۱۸۸۵)؛ واریاسیون‌ها بر روی آهنگی از چایکوفسکی

ساخته‌های کنسرتویی

- کنسرت برای فورته پیانو به‌همراهی ارکستر فا-مینور (۱۸۸۲)
- رویا [فانتازیا] بر روی آهنگی از ریابینین برای فورته پیانو به‌همراهی ارکستر (۱۸۹۹)
- کنسرت برای ویولون به‌همراهی ارکستر لا-مینور (۱۹۰۱)

ساخته‌های انجمن‌گاهی

- دو سه‌تایی [تریوی] فورته پیانویی؛
- دو چهارتایی [کوارتت] زهی؛
- پنج‌تایی [کوینتت] فورته پیانویی
- ساخته‌های بسیاری برای فورته پیانو

ساخته‌های آوازی

- نزدیک به ۵۰ رمانس برای آوا [صدا] و فورته پیانو

در نشانی زیر می‌توان بسیاری از آفریده‌های این آهنگ‌ساز دوست‌داشتنی را شنید:

<http://www.classic-online.ru/ru/composer/249>

از آنجایی که گفت و گواز آ. س. آرنسکی می‌رود، برای خود روا می‌دارم از داده‌ای که زمانی در برگ اینترنتی کلاسیک جای داده بودم، رو برداری کنم:

یک تزیین دیگر بر نگاره س. ای. تانه‌یف، پردازش‌گر آرنسکی هم‌چون آدمی با فرهنگ بسیار بالا، سزاوار-بیشترین ارجمندی در سده بی‌فرهنگ ما با «هوده آدمی- [حقوق بشر]» خود است. (اما بدون هیچ‌گونه پاسخ‌گویی در برابر این هوده‌ها، بهوش باشید [دقت کنید] تا این هوده‌ها [حقوق] پایمال نشوند!). س. ای. تانه‌یف دوست بسیار نزدیک آ. س. آرنسکی به‌شمار می‌آمد. این جستار بسیار پیچیده‌ای است، زیرا این دو آدم بسیار با یک‌دیگر ناهم‌ساز بودند. اما آ. س. پوشکین را به‌یاد بیاوریم که می‌گفت:

«آنها به هم‌دیگر می‌خوردند، آب و سنگ،
سروده و نوشته، یخ و زبانه آتش
تا این اندازه ناهم‌سان با یک‌دیگر...»

بهار سال ۱۸۸۶ آنتونی استیانویچ آرنسکی، یلیزاوتا ولادیمیرونا لاجینووا، هنرآموز استاد «گالوانی» در آموزشگاه والای موسیقی مسکو در رشته آواز را به همسری خود برگزید. کشش به او در سال ۱۸۸۴ شروع شد، که ابتدا بسیار پرشور بود. به خواست قلبی خود و با ناپذیرفتگی [مخالفت] خویشاوندان (چون، آ. آرنسکی. تنها ۲۳ سالش بود!) به هرگونه آنها نامزد شدند، داماد و اروس روز پیوند زن و شوهری را آگهی کردند. به ناگهان آرنسکی خواهان آن شد تا تنها به بیرون از کشور برود، و تاریخ پیوند زن و شوهری را تا زمان ناروشنی به پس برد [به عقب انداخت].

«مسکو، ۱ ژانویه سال ۱۸۸۵»

آنتوشای گرامی!

من امروز از روستا بازگشتم، نزد ماسلوف‌ها به پیشواز سال نو رفتم، ساعت یک پس از نیمه شب به خانه بازگشتم و نامه ترا یافتم. آن سنگین‌ترین درآیش [تاثیر] را روی من گذاشت. تو از دختری درخواست [پیوند] کردی، تاریخ پیوند را روشن ساختی، او را نزد دیگران اروس خود نامیدی و به ناگهان از این‌روی، که عمو [یا دای] م. تو به تو پول می‌دهد تا به بیرون از کشور بروی، می‌روی سوارکاری کنی، اروس خود را به کناری می‌افکنی، بدون هم‌راپی با او تاریخ پیوند زن و شوهری را به یک‌سال و نیم دیگر می‌اندازی. برای هر کسی روشن است، که این گردش‌گری چیز دیگری نیست، بجز زیرپاگذاشتن پیمان [قول] خود با بهانه‌ای مناسب برای تو. به گمان من، یلیزاوتا ولادیمیرونا نمی‌تواند رفتار ترا به گونه‌ای دیگر بفهمد. تا با او سنگ‌دلانه و تا اندازه بسیاری پی‌سنایش [بدون احترام] رفتار می‌کنی. ناچار ساختن او برای آن که یک‌سال و نیم چشم‌به‌راه باشد، و شاید پس از بازگشت او را آگاه سازی، که دیگر خواهان به همسرگیری او نیستی، این کار، به گمانم، بسیار نابخردانه می‌باشد. اگر تو به او براستی ارزش می‌گذاشتی، آن‌گونه که تو می‌گویی، آن‌زمان تو برای او می‌نوشتی [که]: من آیین پیوند زن و شوهری را به‌زمان دیگری می‌اندازم، زیرا برایم توانایی رفتن پیش آمده. برای تو، آهنگ‌ساز، رفتن به بیرون از کشور، چیز دیگری بیش از یک گردش‌گری نیست. اگر تو یک پیمان‌بندی بودی، برای آموزش می‌رفتی، برای نمونه، هم‌چون زیلوتی - این چیز دیگری است. آن‌زمان این بهانه پایه می‌داشت. اما از آنجایی که تو آهنگ‌سازی، نیازی به آموزش در بیرون از کشور نداری، و شنیدن موسیقی و دیدار از کنسرت‌ها، به‌راستی نیازی به-شمار نمی‌آید، که برای آن آیین پیوند زن و شوهری و آموزشگاه والای موسیقی را به کناری انداخت. در پایان، زنان با شوهران نیز بیرون از کشور می‌روند: کاشکین، گوبرت، آلبرخت، فیتسنگاگن، پابست. همه آنها به بیرون از کشور رهسپار شدند، و این‌که آنان زن و شوهراند، سدی بر سر راهشان به‌شمار نمی‌آید. دوباره می‌گوییم، نیازی به این گردش‌گری نیست، و اکنون این کار دارای سرشتی بسیار ناپسند است: خویشاوندانی که خواهان آن نیستند که تو همسرگزینی کنی، از این‌روی به تو پول می‌دهند، تا تو به بیرون از کشور رفته و گزینش خود را دگرگون سازی. تو با این کار هم‌رای می‌باشی. در این باره که آیا چنین رفتاری خوب است، تو نیاندیشیدی. نمی‌خواهم درباره آن سختی‌ها که تو با گردش‌گری خود مرا با آنها روبرو می‌سازی، یادآوری کنم. این پنداره‌ها، درجه دوم هستند (س. ای. تانه‌یف در این زمان سرپرست آموزشگاه والای موسیقی مسکو به‌شمار می‌آمد و در این‌جا کار آموزشی آ. س. آرنسکی را به‌دیده دارد). ارزش‌مندترین جستار، جستار [مسئله] یلیزاوتا ولادیمیرونا به‌شمار می‌آید. هیچ‌گاه گمان آن‌را نمی‌کردم، که چنین نامه‌ای برای تو بنویسم. توشای گرامی، خوب نیست، به‌راستی خوب نیست، این‌گونه، تنها آدمی بی‌دل و خودخواه رفتار می‌کند. روانانه پشیمان هستم، که این‌گونه می‌اندیشم، اما انگیزه‌ای نمی‌بینم تا آن‌را از تو پنهان سازم.

وفادار راستین تو

س. تانه‌یف»

س. ای. تانه‌یف. داده‌ها و تزدک‌ها [اسناد]. نسک ۱. م. ۱۹۵۲. برگ‌های ۱۲۳. ۱۲۲.

یک داده‌گیری دیگر درباره آ. س. آرنسکی و جشن اروسی او:

«نزدیک به نیم‌سال نیاز است تا همه چیز را سرجای نخست بازگرداند. گردش‌گری به بیرون از کشور افتاد به سال ۱۸۸۶ و به «گردش‌گری زن و شوهر جوان» بدل شد. این دو جوان به فرانسه رفته، و تا سال ۱۸۸۷ (بیشتر در پاریس) زندگی کردند. در آنجاست که آرنسکی، رویا [فانتازیا]ی «مارگاریتا گوتیه» را برای ارکستر می‌نویسد و آن‌را به چایکوفسکی پیشکش می‌کند. داستان اندوهناک «خانم با گل‌های کاملیا»ی آلکساندر دومای پسر، پایه این آفریده بود.

با دریافت نُت‌ها، پیوتر ایلیچ در نامه‌ای نه چندان بلند از پیشکشی به او سپاس‌گذاری کرده، آن‌را ارزش‌گذاری می‌کند، اما پیمان [قول] می‌دهد تا پس از آشنایی نزدیک با آن، دیدگاه خود را بیان کند.

چهار ماه گذشت. آرنسکی دیگر در مرز دیوانگی، در ماه مارس سال ۱۸۸۷، نامه‌ای دمدی‌مزاجانه و رنجش‌گونه به چایکوفسکی می‌نویسد، و به هم‌میهن بزرگ کنایه می‌زند که در او انگیزه‌ای برای پاسخ نمی‌بیند. گذشته از آن، آرنسکی از چنین رفتاری از سوی چایکوفسکی خشمگین بوده و این را خوارشمردگی نسبت به خود می‌داند! اما پیوتر ایلیچ باریک‌بین، دارای روانی تندرست و اندیشه‌ای روشن، تنها نمی‌خواست تا دیدگاه ناهماهنگ [منفی] خود را درباره‌ی رویای ارکستری بیان کند، زیرا می‌دانست که آهنگ‌سازان می‌توانند حتی درباره‌ی خرده‌گیری [نقد] دادگرانه، بگونه‌ای بیمارگونه واکنش نشان دهند. از این‌روی چایکوفسکی هنوز پیش از آن‌که نامه‌ی آرنسکی به‌دست او برسد، تانه‌یف را از برخورد ناسازگارانه‌ی خود درباره‌ی موسیقی «مارگاریتا گوتیه» آگاه ساخت. تانه‌یف دیدگاه استاد بزرگ را به آرنسکی گفت. آرنسکی در پاسخ نامه‌ای به چایکوفسکی می‌نویسد، نامه‌ای پر از دادخواهی و رنجش، که پاسخ رد-روشنی به آن دریافت می‌کند.

«اگر چیزهای درجه دوم را کنار بگذاریم که چرا بی‌درنگ پاسخ داده نشد، سپاس‌گذاری دوباره‌ی خود را بیان می‌دارم، با دوستی-استوارانه، پافشاری بر آن‌های [لحظه‌های] موسیقایی-کامیابانه، خرده‌گیری من سنگ‌دلانه، سخت‌گیرانه از آب درمی‌آید».

پ. ای. چایکوفسکی این‌گونه ادامه می‌دهد:

«... دیدگاه خود را کوتاه برای شما بیان خواهم کرد».

یک گزینش-جستار. برای من، بله و برای همه‌ی دوستان-شما، دانستن-آنچه که شما جستار را برای رویا [فانتازیا]ی برنامه‌دار از «خانم باگ‌های کاملیا» برگزیده‌اید، ساده بیان کنم، بیمارگونه و نادرخور [نامناسب] است. هنگامی که هومر، شکسپیر، پوشکین، گوگل، تالستوی، دانته، بایرون، لرمانتوف و از این‌گونه و از این‌گونه در دسترس‌اند، چگونه یک موسیقی‌دان آموزش‌دیده‌ای می‌تواند آفرینش-آقای دوما‌ی پسر را برگزیند، که سرگذشت‌های یک دختر تن‌فروش-خراب را می‌نگارد، هرچند که این سرگذشت‌ها را با پی‌باکی و savoir faire (استادی) فرانسوی بیان می‌کند، اما به‌راستی نادرست، هیجان‌آور و بی‌بندوبارانه به‌شمار می‌آیند. روشن است که چنین گزینشی می‌توانست از سوی وردی باشد (در اینجا پ. ای. نمایش آوازی وردی «تراویاتا» را به‌دیده دارد)، که بدنبال جستاری بود، که بر روی‌پی‌های [عصب] آدمیان-دوران-نشیب هنر می‌کوبد. اما آن [گزینش این جستار. م] از سوی آهنگ‌ساز شایسته، جوان روسی که آموزش-خوبی را نزد ریمسکی کورساکوف بدست آورده، و در پایان از سوی برادر [خواهر] زاده‌آ. پاتخین و دوست-س. تانه‌یف، درک‌ناشدنی است. اما درباره‌ی جستار. این کار-من نیست. می‌پردازم به موسیقی.



آلکساندر دوما‌ی پسر

هرزگی. اگر این اندیشه را به کنار گذاریم، که هرزگی در اینجا به معنای زیاده‌روی در می‌نوشی و شب‌نشینی بزرگ-همراه با وشک [رقص] در نزد-ب... (در اینجا پیوتر ایلیچ واژگانی بددهان‌گویانه را بکار می‌برد) باشد، که در آن آدمیان

پر شمار دیگری هستند (یعنی ب‌های دیگر...): که در این انجمن‌گاه [مجلس] بخورونوش هرزه، شامپاین می‌نوشند، مایونز با قارچ‌های دنبلائی می‌خورند، و سپس کان کان می‌جنبانند [می‌رقصند]، بنابراین موسیقی، پردازش‌گر این هرزگی، که بی‌بهره از زیبایی و درخشندگی نیست، می‌باشد. آن کار [موسیقی] همچون همهٔ رویا [فانتازیا] سرشار از لیست [فرانتس لیست پیانیست و آهنگ‌ساز] می‌باشد، و اگر آنرا خوب بررسی کنی، زیباییِ آن، رویه‌ای [سطحی]، سامه‌بر [مشروط] و دربرگیرندهٔ چیزی گیرا در خود نیست. چنین زیبایی‌ای زیبایی ناب به‌شمار نمی‌آید، بلکه تنها زیباییِ سامه‌بر است، و اما زیباییِ همیشه‌گی بیش از هر چیزی یک کمبود به‌شمار می‌آید، و نه چیزی وزین... نه بتهوون، نه باخ (که دل‌زننده، اما فرهوش است)، نه گلینکا، نه موتسارت، به‌دنبالِ زیباییِ سامه‌بر نبوده‌اند، بلکه به‌دنبالِ زیباییِ آرمان‌گرانه بودند، که بیش و کم در ساختاری، که در نگاهِ نخست، نگاه رویه‌ای، و نازیبا به‌چشم می‌خورد، نشان داده می‌شد...

جُستارِ مهر [عشق] باز زیباست و لیست را بسیار به‌یاد می‌آورد، نه آن که یک آهنگِ شناخته شدهٔ لیست را، بلکه سبکِ او را، ویژه برای آهنگ‌های نیمه ایتالیاییِ او، اما بی‌بهره از کشش [انعطاف]‌پذیری و سادگی موسیقی ایتالیاییِ راستی، میزانِ سوم و چهارمِ این آهنگ و پس از آن، تنها زیبایی را در خود دارا می‌باشند، اما بسیار خوب، شایسته برای اسیر ساختن نه تنها گوش‌ها، بلکه دل‌ها نیز.

روشن است، که در گسترش این سه آهنگ، در ساختار، در سازبندی، در هماهنگی [هارمونی]، در کنترابوئن [نت در برابر نت] . شما در «مارگاریتا گوتیه» همان استادی به‌شمار می‌آید، که پیش از آن، از دیدِ استادی در دانشِ آهنگ-سازی بوده‌اید. هیچ‌کس نمی‌تواند به شما چیز دیگری به‌جز ستایشِ بی‌چون و چرا بگوید.

با بیان کوتاه آنچه که در بالا گفته شد، من برای خود روا می‌دارم تا برآیند [نتیجه] همگانی خود را در زیر بیان کنم. رویای شما از دیدِ اندیشه، ناکام‌یابانه، جُستار آن ناگیرا به‌شمار آمده و آهنگ‌های پایه‌ای آن دارای فریبندگی کمی هستند. نسبت به سمفونی و سه بخشِ سویت (پ. ای. چایکوفسکی سمفونی نخست اپوس ۴ و سویت برای ارکستر اپوس ۷ را به‌دیدار دارد)، آن بی‌اندازه به دل‌ام نمی‌چسبد. آن گامی به پیش به‌شمار نمی‌آید، بلکه، این گونه بگویم، گامی به کنار است، و من آرزو می‌کردم، تا شما هر چه زودتر به راه راستینِ خود بازگشته و ما را با آفریده‌های تازه، گیراتر و رساتر از سمفونی و سویت شاد سازید». (پ. ای. چایکوفسکی. آفریده‌ها و نامه‌نگاری‌های فرهنگِ نوشتاری [ادبی]، پوشش [جلد] ۱۴ م. ۱۹۷۴. برگ‌های ۸۱-۷۹)

این نامه از سوی چایکوفسکی در تاریخ ۲ ماه آوریل سال ۱۸۸۷ نوشته شده. ما از واکنشِ آرنسکی به آن آگاه نیستیم، زیرا کمی پس از این در بهار او بیمار شد. بیماری او بیماری‌ای سخت شناسایی شد. تانه‌یف گواهی می‌کند که او از بیماریِ دوستِ خود بسیار دیر و تنها در میانهٔ ماه ژوئن آگاه شد، زیرا او در تابستان بیرون از پایتخت رفته بود. نامه را پیوتر ایلیچ چایکوفسکی نوشته:

«اکنون من از چیزی دهشتناک آگاه شدم: آنتوشا دیوانه شده، و اکنون او را به کازان می‌برند، به بیمارستان». و در پایانِ نامه، هم‌درد با بیمار، سرگی ایوانوویچ می‌نویسد: «آنتوشای بیچاره! شاید این چیزی دهشتناک باشد، که پی بیری، که در دیوانه‌خانه به‌سر می‌بری، هم‌چون زندانی‌ای تنها. زنِ او باید به‌زودی بزاید (پسر او پاول از همسر آرنسکی در سال ۱۸۸۷، و دخترش نادرده در سال ۱۸۸۹ به دنیا آمدند). او شیفتهٔ دین بود. او می‌گفت، که بسیار گناه کرده، و همه را به پشیمان شدن از گناهان خود برمی‌انگیزد». زمانی که چایکوفسکی از این رویداد آگاه شد بر خود می‌لرزید: «من در بیماریِ آرنسکی از آن هراس دارم، که او نه دچار دیوانگی سخت، بلکه دین‌زدگی شده باشد. به‌گمانم، دین‌زدگی را نمی‌شود درمان کرد...».

اما دیگر در پایانِ ماه اکتبر، پیوتر ایلیچ در نامه‌ای به پتربورگ به نیکولای آندره‌یویچ ریمسکی - کورساکوف، او را آگاه می‌سازد که: «آرنسکی بهبود یافته، اما من او را با روانی رانده و افسرده می‌یابم».



برده‌برداری از دو پیکره برنزی آ. س. آرنسکی در نووگورود بزرگ

دو نیم‌تنه برنزی آنتون آرنسکی برای جای دادن آنها در یکی از مکان‌های ویلارمونی استان نووگورود و در گستره آموزشگاه موسیقی کودکان در نووگورود بزرگ جای داده شده‌اند. این بنگاه‌های فرهنگی، نام آهنگ‌ساز را که در سال ۱۸۶۱ در نووگورود به دنیا آمد و در آنجا ۱۱ سال زندگی کرد، بر خود دارند.

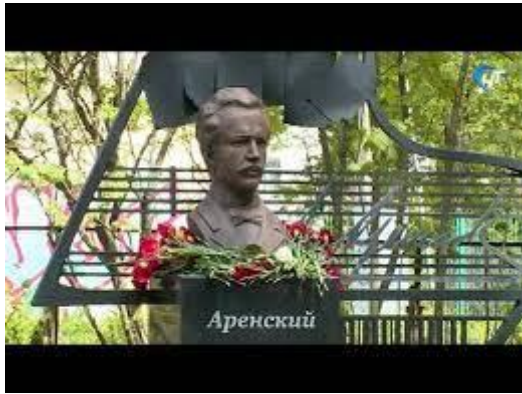
اینگونه، نووگورود بزرگ تنها شهری در روسیه به‌شمار می‌آید، که در آنجا یادبود شهروند نام‌دار اش، آهنگ‌ساز، پیانیست، رهبر ارکستر و آموزگار شایسته - که در میان هنرآموزان او سرگی راخمانینوف دیده می‌شد - با جای دادگی پیکره‌ها جاودان شده است.

بنابه گفته کاوش‌گران، همسانی بسیار میان نگاره برنزی با نگاره‌های چاپی [عکس] در دست از آهنگ‌ساز است. در پیکره، بیش از هر چیز، آرنسکی هم‌چون استاد آموزشگاه والای موسیقی مسکو نشان داده شده. همان‌گونه که در سازمان فرهنگی استان نووگورود پی برده شد، این نیم‌تنه، روبرداری درست نگاره گچی آرنسکی به‌شمار می‌آید، که در اتاق دیرینکده آهنگ‌ساز دیده می‌شود، که از سوی گروه آموزشگاه موسیقی کودکان شهر نووگورود ساخته شده. نادژدا گوریلوونا پتینا سازنده پیکره گچی به‌شمار می‌آید، که هم‌رایی خود برای آماده‌سازی دو پیکره برنزی را بیان داشت.

با کمک استاندار استان، که خود در گره‌گشایی این جُستار هنبازی کرد، این کار بسیار مشکل به‌فرجام رسید. بنگاه مسکوی «لیت آرت» سفارش را تنها در زمان ۱۰ روز انجام داد. گذشته از آن، این بنگاه بهای سفارش را نیز کاهش داد. به‌راستی، شهروندان نووگورود دیگر با کار این بنگاه آشنا هستند. در اینجا نیم‌تنه آلکساندر دوم، جای داده شده در نووگورود بزرگ و چند گستره شهرستانی استان، ریخته‌گری شده‌اند. ریخته‌گری نیم‌تنه آرنسکی از کمک‌های بیرون از برنامه آموزشگاه موسیقی و ویلارمونی پرداخت شد.

نیم‌تنه آرنسکی در ویلارمونی دیگر در سال ۲۰۱۳، نه دیرتر از جشن روز شهر نمایان شد. پیش از آن که نیم‌تنه دوم جای گیرد، می‌بایست نزدیک آموزشگاه موسیقی و در پیرامون آن پهنه‌سازی شده، برای آن، پایه سفارش داده شود، که نیاز به زمان داشت.

کنون داده‌های تازه دستگاه سرپرستی استان نووگورود سال ۲۰۱۳



به بازمانده‌های آهنگ‌سازان روسی زندگی نو می‌بخشیم: «رافائل»

امروزه بازمانده بسیاری از آهنگ‌سازان روسی از یادها رفته و در آستانه از میان رفتن‌اند. بسیاری از آفریده‌ها برای پسین بار تنها در ابتدای سده گذشته اجرا شده‌اند، نوشتارهای کارگاهی - [ضبط صدایی یا سیمایی] بسیاری از آنها نگاه-داشته نشده‌اند یا به‌هیچ‌گونه در دسترس نیستند.

در سال ۲۰۱۴ بنگاه «ا. آن. راسیا» همراه با ایستگاه فرستنده «آرفه‌ی» نت‌های نمایش آوازی کم‌شناخته‌شده آرنسکی، «رافائل» را برگزیده، دوباره‌سازی کرده و به‌گونه دیجیتال درآورد.

گردی - آوایی - CD- نمایش آوازی - «رافائل» در نشست - پرسش و پاسخ در تاریخ ۱۵ ماه دسامبر که در آن سرپرست - بنیادین [مدیر کل]، سرپرست - هنری - ر. گ. م. تس، ایرینا گراسیمووا، سرپرست - بنگاه رسانه‌ای - ر. گ. م. تس. آکسانا سرژنکو و سرپرست بخش نگاه‌داری و تولید - نوشتار - آوایی [ضبط صوت] آننا مارکووا نیز هنبازی کرده بودند، به نمایندگان رسانه‌ها نشان داده شد.

نمایش آوازی از سوی آهنگ‌ساز برای نخستین - کنگره سراسری هنرمندان - نگاره‌کش روسیه و به‌مناسبت گشایش - نمایشگاه نگاره‌ای ترتیاکوف در سال ۱۸۹۴ نوشته شد. این آفریده برای بار - پسین در سال‌های ۲۰ نمایش داده شد، و در سال‌های ۵۰ سده بیستم در اجرای راستین، آوانویسی شد. از بخت - بد، نوشتار - آوایی ناپدید شده، و نام نویسنده [آرنسکی] از یادها رفت.

بنگاه «ا. آن. راسیا» همراه با ایستگاه فرستنده «آرفه‌ی»، نوشته آوایی - کارگاهی - نمایش آوازی - «رافائل» را بیرون دادند که ارکستر سمفونیک - فرستنده آوایی [رادیو] «آرفه‌ی»، به‌رهبری و سرپرستی - هنری - سرگی کندراشف؛ گروه بزرگ - آوازی - فرهنگستانی - «استادان - آوازخوانی - گروهی» به‌سرپرستی - هنری - لو کانتوروویچ؛ و هم‌چنین تک‌خوانان - خانه‌های نمایشی - مسکو، آگوندا کولایوا، رافائل (متسو - سوپرانو) [آوای میانی زنانه]، آلگا ایوانووا فورنارینا (سوپرانو، آوای زیر زنانه)؛ نیکولای دیدنکو، کاردینال بی‌بی ینا (باس [آوای بم مردانه])؛ آکسی تاتارینتسف، خواننده پشت - پرده (تنور [آوای زیر مردانه]) آن را اجرا کرده‌اند.

به‌هنگام - نوشتار - آوایی، اندیشه راستین آرنسکی، که بخش - رافائل سانتی از سوی یک زن خواننده شده (متسو سوپرانو) دوباره‌سازی شده.

نوشتار آوایی - نمایش آوازی - «رافائل» سرآغاز - یک برنامه چندرسانه‌ای بی‌پیشینه را با برنامه «زنده‌سازی - بازمانده آهنگ‌سازان روسی» برای - به‌روز درآوردن، نگاه‌داری و پخش آفریده‌های از دست‌رفته موسیقایی، نسک‌های [کتاب] ارزش‌مند و داده‌های نئی از بایگانی‌های نسک‌خانه موسیقایی ف. گ. ب. او. «ر. گ. م. تس»، ایستگاه فرستنده «آرفه‌ی»، پایه‌گذاری کرد.

بنابه گفته‌های ایرینا آنتاتولی یونا، این نسک‌خانه بود که فرتابگر [الهام دهنده] همه «آرفه‌ی» و ر. گ. م. تس. شد تا کار بر روی آهنگ‌سازان روسی را آغاز کرد.

ایرینا گراسیمووا می‌گوید: «ما پی بردیم، که در نسک‌خانه ما شمار بسیاری نُت‌های آهنگ‌سازان روسی پایان سده نوزدهم و ابتدای سده بیستم نگاه‌داری می‌شود. این دوران در فرهنگ نوشتاری هم‌چون سده نقره‌ای شناخته شده است، و آهنگ‌سازان این دوران، شوربختانه، در توان آن نبودند تا از آنها نگاه‌داری کنند. از آن‌زمان تاکنون، ما، کار نخست خود را زنده‌سازی بازمانده آن آهنگ‌سازان روسی، که اجرا نمی‌شوند یا هیچ‌گاه اجرا نشده‌اند، می‌دانیم. آنتون ستپانویچ آرنسکی، گزینش نخست ما به‌شمار می‌آمد». ایرینا آنتولی‌یونا می‌گوید: «ما پی بردیم که در روسیه تنها سه نفر به‌گونه‌ای سخت‌کوشانه سرگرم کار کاوش‌گرانه بر روی هنر آفرینش‌گرانه آرنسکی هستند و یکی از این آدم‌ها در کلین زندگی می‌کند، در آنجا در دیرینکده، همه بایگانی خانوادگی آرنسکی جای دارد، که او زمانی با کشش بسیار گردآوری کرده و به دیرینکده بیوه آهنگ‌ساز داده».

ایرینا گراسیمووا می‌گوید: «این‌گونه، به‌راستی هرآنچه را که ما برای برنامه خود نیاز داشتیم، در دسترس ما بود؛ نسک‌خانه‌ای شگفت‌انگیز، نُت‌های نمایش آوازی و گروه‌های ما، آماده برای اجرای این موسیقی. تنها یک چیز کم بود... و به‌ناگهان، گویی که خود آنتون آرنسکی از آنجا واکنش نشان داد، و گروهی بسیار خوب، که «ا. آن. راسیا» نام دارد دست خود را برای کمک به‌سوی ما دراز کرد. آنها با کمک پولی خود، از ما پشتیبانی کرده، و ما توانستیم تا این برنامه را، که «زنده‌سازی بازمانده آهنگ‌سازان روسی» نام دارد، به فرجام برسانیم.

از همان ابتدا، برنامه به پیش می‌رفت؛ چه «مادی» و چه «نامادی». همراه با کار بر روی نمایش آوازی «رافائل»، برنامه‌ای پکر برای نوسازی بازمانده‌های نوشتاری نیز به فرجام رسید، که برای آن به‌راستی چاپ‌های کمیاب و ارزش‌مند برگزیده شدند، که نیاز به بازسازی بی‌درنگ داشتند. اکنون کارشناسان کارگاه بازسازی نسک‌خانه کشوری [دولتی] روسیه، کار بر روی نخستین جُستار را، که بدل به «آموزش‌نامه دانش هماهنگی [هارمونی]» شد، و از سوی ن. آ. ریمسکی-کورساکوف گردآوری شده و از سوی او به هنرآموزان خود گفته شده که آنان نیز به‌نوبه خود آموزه‌های او را با دودآب [جوهر] چاپی یادداشت کرده، و در سال ۱۸۸۵ از زیر چاپ بیرون آمد، به‌پایان رساندند.

در زمان گردهمایی رسانه‌ای، برای نخستین بار چاپ نوسازی شده، و همچنین داده‌های ویدئویی، بخش‌های نگاره-دار [نقاشی شده] باریک‌بینانه‌ترین کار، پدیدار شده از سوی استادان بازسازی‌کننده به رسانه‌کاران نشان داده شد.

همکاری پنج‌ساله در چارچوب برنامه «زنده‌سازی بازمانده آهنگ‌سازان روسی» در برنامه‌های بنگاه «ا. آن راسیا» و ایستگاه فرستنده «آرفه‌ی» گنجانده شده است. در تاریخ ۲۰ ماه فوریه سال ۲۰۱۴ در تالار آلکساندروروسک، اجرای کنسرتی نمایش آوازی «رافائل» برگزار شد، و نمایشگاه چاپ‌های نوسازی شده، که کار بر روی آن اکنون انجام می‌شود و یا آن‌که به‌پایان رسیده، به تماشاگران نشان داده خواهد شد. گذشته از آن، سازمان-دهندگان برنامه آماده برای نشان دادن یک شگفتانه [سورپرایز] موسیقایی می‌باشند، که هنربازان گردهمایی رسانه‌ای بر آن شدند که آن‌را پنهان نگاه‌دارند، که به‌راستی، «همه از آن [شگفتانه] بسیار خوش‌شان خواهد آمد».

برای آشنایی هرچه بیشتر با هنر آفرینش‌گرانه آرنسکی، پیشنهاد می‌شود تا به ساخته‌های زیر از این آهنگ‌ساز گوش داده شود:

- سمفونی شماره ۱، اپوس ۴
- سوپیت شماره ۱ برای ارکستر، اپوس ۷
- مارگاریته گائوتی‌یر: رویا [فانتازی] برای ارکستر، اپوس ۹
- رویا بر روی ولگا: پیش‌گفتار موسیقایی برای نمایش آوازی، اپوس ۱۶
- سه‌تایی [تریو] پیانو، اپوس ۳۲
- واریاسیون‌ها بر روی آهنگی از چایکوفسکی، اپوس ۳۵ آ
- پیش‌گفتار موسیقایی برای نمایش آوازی «رافائل»، اپوس ۳۷
- رویا [فانتازی] برای پیانو و ارکستر، اپوس ۴۵
- پیش‌گفتار موسیقایی برای نمایش آوازی «نال و دامایانتی»، اپوس ۴۷
- شب‌های مصری، سوپیت برای نمایش و شک [بالت]، اپوس ۵۰ آ
- کنسرت برای ویلون و ارکستر، اپوس ۵۴
- ۴ چهارتایی آوازی، اپوس ۵۷
- سوپیت برای کودکان، برای دو پیانو، اپوس ۶۵

• به یاد آلكساندر سوؤروف: مارش برای ارکستر

برگردان از داده‌های اینترنتی دربارهٔ آنتون آرنسکی از زبان روسی به زبان پارسی: بابک بردیا، آهنگ‌ساز، پروفیسور
[استاد] رشته‌های دانش همگانی [تئوری] موسیقی، ماستر [استاد] هنرهای زیبا!

برلین، ۱۰ ماه آوریل سال ۲۰۲۱

[Anton Stepanovich Arensky \(1861-1906\)](#)

« : Апрель 29, 2011, 16:38:56 »

« *Последнее редактирование: Январь 20, 2012, 20:09:03 от Kleon* »

Возрождаем наследие русских композиторов: «Рафаэль»

<http://www.muzcentrum.ru/news/2014/12/item10115.html>

С самого начала проект развивался в двух направлениях – «материальном» и «нематериальном». Наряду с работой над оперой «Рафаэль» была реализована уникальная программа по реставрации книжных памятников, для которой были отобраны воистину редкие и ценные издания, требующие срочного восстановления. К настоящему моменту специалисты реставрационной мастерской Российской Государственной Библиотеки завершили работу над первым объектом, которым стал «Учебник гармонии», составленный Н.А. Римским-Корсаковым и записанный под диктовку литографскими чернилами его учеником, изданный в 1885 году.

В ходе пресс-конференции журналистам впервые было представлено отреставрированное издание. Кроме того, были продемонстрированы видеоматериалы, иллюстрирующие фрагменты тончайшей работы, произведенной мастерами реставрации.

В планах компании «Э.ОН Россия» и радиостанции «Орфей» – пятилетнее сотрудничество в рамках проекта «Возрождаем наследие русских композиторов». **Уже 20 февраля в Александровском зале состоится концертное исполнение оперы «Рафаэль»**, а зрителям будет представлена выставка отреставрированных изданий, работа над которыми ведется сегодня или уже завершена. Кроме того, организаторами проекта готовится следующий музыкальный сюрприз, который участники пресс-конференции предпочли пока что оставить в тайне, но пообещали, что «он всем очень понравится».